

احسان مرداسی

صبح، نیمه تاریک
با صدای "حرف آخرت چیست؟"
خوشحال می شوی
که هر چه دیدی خواب نبود

بی اعتنا به صدای پاها
و نگاه تازه کار کسی
که آمده غسل تعمیدت دهد

زبانی بی دست لبانی در احتضار
و آخرین لبخند

با چشم های مجبور
ناگهان نگاهت به آسمانی می افتد
که تنها لکه ای است و
می میری
در نفسی عمیق تر از خوابی که دیده ای

حالا دیگر به آینده فکر کن
به کتاب های درسی
که قرار است
زیر عکست تاریخ بگذارند